

بررسی تأثیرات کرونا بر سیاست خارجی
حسن شمسینی غیاثوند^{۱*} - سعید جهانگیری^۲
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۲

چکیده:

تأثیرات کرونا بر سیاست خارجی را می‌توان در ابعاد امنیتی، اقتصادی، سیاسی در نظر گرفت. در واقع کرونا در حال تحمیل مناسبات جدیدی در روابط بین‌المللی است. البته باید خاطر نشان کرد که اینگونه اظهارنظرها ممکن است یک جانبه و با شائبه‌های سیاسی همراه باشد. هدف محوری این نوشتار تأثیرات کرونا بر سیاست خارجی در یک نگرش کلی است. ولی به طور کلی می‌توان گفت که سیاست خارجی در دوره پساکرونا متفاوت از دوران گذشته خواهد بود. با این توضیح که پیگیری منافع ملی از سوی دولت‌ها ادامه می‌یابد، اما سازوکارهای تحقق منافع ملی ممکن است متفاوت از گذشته باشد. به طور کلی می‌توان برخی تأثیرات کرونا بر سیاست خارجی را می‌توان بدین صورت ارائه کرد؛

- گذار از جهان تک- چند قطبی به بلوک بندی جدید؛ - گذار از همگرایی جهانی به تنش- های نسبی جهانی بخصوص بین قدرت‌های بزرگ جهانی؛ - بازگشت بیشتر به ناسیونالیسم در سیاست خارجی؛ - تاکید بر دولت گرایی و گذار نسبی از جهانی شدن؛ - افزایش اهمیت منطقه گرایی در سیاست خارجی و کاهش نسبی تنش‌های منطقه‌ای؛
واژگان کلیدی: کرونا، سیاست خارجی، منافع ملی، امریکا، جهانی شدن

^۱ - استادیار و عضو هیئت علمی، علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین ایران: نویسنده مسئول

Shamsini_h@yahoo.com

^۲ - دکتری تخصصی، علوم سیاسی، مسائل ایران، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Saeedjahangiri61@yahoo.com

مقدمه

کرونا تبعات خاص اجتماعی، سیاسی و اقتصادی داشته است. گرچه هنوز درباره اثرات میان مدت و بلند مدت آن نمی‌توان اظهار نظر قطعی کرد، ولی می‌توان بر اساس شواهد و تاثیرات کوتاه مدت، نظریه‌های خاصی درباره تاثیرات کرونا ارائه کرد. در واقع در فضای مه الود کنونی همه پیش بینی‌ها با احتمال مواجه است. به هر حال به نظر می‌رسد که کرونا مناسبات خاص سیاسی در ابعاد داخلی و بین‌المللی ایجاد کرده است. چنانکه می‌توان در بعد سیاست خارجی به تحول در امنیت، منطقه گرایی، دولت گرایی، مناسبات شرق با غرب، تحول در بلوک بندی جهانی اشاره کرد. این پژوهش به تاثیرات کرونا بر سیاست خارجی می‌پردازد. بدیهی است اینگونه پیش بینی با یک جانبه گرایی، شائبه‌های سیاسی و ایدئولوژیکی و شتاب زده همراه است.

چارچوب نظری

سیاست خارجی: سیاست خارجی که شامل تنظیم و نیز اجرا و همچنین خود محصول و نتیجه تصمیمات به شمار می‌رود، راهنمایی است برای اقداماتی که یک دولت در ورای مرزهای خویش به منظور پیشبرد اهداف در رابطه با بازیگران حکومتی و غیر حکومتی به عمل می‌آورد. اساسا سیاست خارجی دولتها تحت تاثیر متغیرهای متعددی شکل می‌گیرد و واحدهای سیاسی اهداف و منافع تعیین شده، جهت گیری‌ها و استراتژی‌های گوناگونی برمی‌گزینند. باید توجه داشت که دولتها بازیگران اصلی سیاست بین‌الملل تلقی می‌شوند و بر این اساس جهت گیری‌ها، اهداف و منافع آنها در چهارچوب سیاست خارجی مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. سیاست خارجی مهمترین وجه زندگی اجتماعی، سیاسی ملتها و کشورها به شمار می‌رود، چون بقا و حیات آنها به سیاست خارجی بستگی دارد. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۸: ۲۳) سیاست، خط مشی و روشی است که دولتها در برخورد با امور مسائل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت و منافع خود اتخاذ می‌کنند سیاست خارجی عبارت است از یک استراتژی یا یک رشته اعمال از پیش طرح‌ریزی شده توسط تصمیم گیرندگان حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهدافی معین، در چارچوب منافع ملی و در محیط بین‌المللی است. (مقتدر، ۱۳۵۸: ۱۳۲-۱۳۱)

منافع ملی: منافع ملی یکی از مفاهیمی است که کاربرد زیادی در تحلیل و تبیین سیاست خارجی کشورها دارد. اما علی‌رغم استفاده گسترده از منافع ملی به عنوان ابزار توجیه و تحلیل سیاست خارجی در حوزه عملی و نظری، این مفهوم کماکان توسعه نیافته و مبهم است. برخی، منافع ملی را به صورت انتزاعی تعریف کرده و مصادیق آن را صیانت از نفس یا بقاء، حاکمیت

ملی و استقلال، تمامیت ارضی، امنیت نظامی و توسعه و رفاه اقتصادی تعیین می‌کنند. برخی دیگر منافع ملی را آن دسته از اهداف ملی تعریف می‌کنند که دست یافتنی و تحقیق پذیر است و مصادیق آن به صورت استقرایی از طریق بررسی عملکرد سیاست خارجی در یک مقطع زمانی معین می‌گردد. از طرف دیگر، عینی‌گرایان منافع ملی را واقعیت عینی می‌دانند که برحسب قدرت یا امنیت ملی تعریف می‌شود. ذهنی‌گرایان برعکس معتقدند که منافع ملی ارزش‌هایی است که سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان ملی به عنوان برآیند منافع جمعی جامعه بر می‌گزینند و در تصمیمات و سیاست‌های اتخاذی آنان به نمایندگی از ملت، تجلی و تبلور می‌یابد. بنابراین، تعاریف گوناگونی از مفهوم منافع ملی وجود دارد. (مشیر زاده، ۱۳۸۴: ۱۳۳)

نظام بین‌الملل، محیطی است که در آن واحدهای سیاسی عمل کرده به طوری که رفتارها، جهت‌گیری‌ها، نیتها و خواسته‌های واحدهای مزبور از نظام بین‌الملل تأثیر می‌پذیرند. بر اساس تعریف مورتون کاپلان "نظام، از مجموعه‌ای متغیرهای وابسته به یکدیگر تشکیل شده است و هرگونه تغییر در هر یک از عناصر متشکله نظام به سایر بخش‌های آن نیز سرایت می‌کند و آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد". یکی دیگر از تعاریف نظام بین‌الملل، آن را به معنای قطب و مرکز ثقل سیاست بین‌الملل در دوره‌ای از تاریخ بشر معرفی می‌کند. در تعریف دیگری، نظام بین‌الملل به مفهوم محیطی در نظر گرفته می‌شود که در آن کشورهای متعدد و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و مانند آن حضور دارند، بطوری که رفتار، جهت‌گیری و خواسته کشورهای مزبور از نظام بین‌الملل تأثیر می‌پذیرد. به نظر می‌رسد که در حقیقت نظام بین‌الملل دربردارنده هر دو تعریف فوق باشد، زیرا از یک سو مرکز ثقلی است که سیاست‌ها و استراتژی‌های جهانی و منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از سوی دیگر از مجموعه چند کشور تشکیل می‌یابد. اگرچه نظام بین‌الملل از مجموعه کشورها تشکیل یافته است، اما ساختار آن با ساختار کشورها متفاوت است، زیرا جامعه داخلی (کشور) برخلاف جامعه جهانی (نظام بین‌الملل) از اتحاد، شکل و سازماندهی بیشتری برخوردار است و در آن قانون واحد حاکم و از قوای سه گانه بهره‌مند می‌باشد. (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۴)

تأثیرگذاری کرونا

نظام بین‌الملل

به نظر می‌رسد شرایط فعلی جدای از نشان دادن ضعف انسان، تغییر نظم جهانی را نیز در پی خواهد داشت؛ شرایطی که در غرب شاهدیم به نظر می‌رسد به دلیل مردم این مناطق به دلیل عدم علاقه انسانی به یکدیگر کمتر به کمک هم رفتند. (ساجدی، باشگاه خبرنگاران جوان، ۱/۲۷/۱۴۰۲)

۱۳۹۹) در شرایط فعلی، توانایی مدیریت و کنترل بحران اروپا و آمریکا زیر سؤال رفته است. آمریکا نشان داد از نظر امنیتی نمی‌تواند رهبری دنیا را داشته باشد. از نظر مسائل اقتصادی و کنترل بیماری خودش نیازمند کمک است. وضعیت نفت هم نشان داد اقتصاد آمریکا اقتصاد بدهکار و روزمره است، اقتصادی که به خاطر جهانی‌شدن در تنگنا قرار گرفته است. امروز تولید بیشتر نفت «شیل» برای آمریکا به هیچ‌وجه صرفه اقتصادی ندارد و حتی سرمایه‌گذاری در بخش نفت هیچ توجیهی نخواهد داشت. عربستان، روسیه و سایر تولیدکنندگان نفت و حتی تا حد کمتری ایران که صنعت نفت زیربنای اقتصادشان بوده، متأثر خواهند شد. قسمت اعظم بودجه کشورهایمانند عربستان و برخی دیگر از تولیدکنندگان نفت برای پیشبرد طرح‌های توسعه‌ای و برنامه‌ریزی اقتصادی‌شان مبتنی بر نفت است، کل طرح‌های توسعه‌ای آنها با کاهش قیمت نفت دچار تردید و شکست شده است. به دلیل رکودی که در صنایع از جمله صنایع خودروسازی، حمل‌ونقل و صنایع هوایی در بسیاری از کشورها رخ داده، میزان تقاضا برای نفت کاهش یافته است. برخی تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌ها در خصوص آینده وضعیت اقتصاد جهان با توجه به افت قیمت نفت و رکود موجود در اقتصاد چندین اتفاق ممکن است برای کل کشورها بیافتد. به هر حال صنایع مختلف برای یک یا دو ماه دست‌کم تعطیل بوده و این باعث می‌شود تولیدات ناخالص کشورها برای دو ماه افت شدید داشته باشد. خیلی از کشورها می‌دانند که جهانی شدن و وابستگی شدید به کشورهای دیگر آنها را آسیب‌پذیر می‌کند و این احتمال وجود دارد که بسیاری از کشورها سعی کنند این آسیب‌پذیری را به حداقل برسانند و به چرخه تولیدشان، استقلال و خودکفایی بدهند که این امر خود به خود باعث تعدیل جهانی‌شدن می‌شود. (تقی پور، 21/1/1399، css.ir/)

پایان جهانی شدن

اولین پیامد آن، تلقی پایان جهانی شدن است، یا حداقل جهانی شدن در شکل و معنای دیگر در عصر پسا کرونا نمایان خواهد شد. جهانی شدن از پایان و تضعیف دولتها سخن راند، اما کرونا ثابت کرد که این ایده درست نیست بلکه همه انتظار داشته و دارند دولت با همه قدرت پرچمدار مبارزه با کرونا شود و این زنگ خطری برای دموکراسی‌ها است، زیرا تقویت دولت به اقتدار گرایی در داخل و روابط بین‌الملل و در نهایت تنش آفرینی در روابط بین‌الملل کمک خواهد کرد.

بلوک بندی جدید

ویروس کرونا علاوه بر اقتصاد و سیاست، تأثیرات راهبردی داشته و در جهان پسا کرونا بلوک

بندی‌های جدید قدرت و نگرش جدیدی از همکاری‌های بین‌المللی بین کشورها را شاهد خواهیم بود. همه شواهد و قرائن و دیدگاه‌های تخصصی کارشناسان جهان نظیر جوزف نای، بنیان‌گذار براندازی نرم، استیون والت، استاد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه هاروارد، ریچارد هاس، رئیس شورای روابط خارجی آمریکا، جان ایکنبری، نظریه‌پرداز مشهور آمریکا و مؤلف کتاب‌های متعدد درباره فروپاشی امپراتوری آمریکا بر این باورند که ویروس کرونا علاوه بر اقتصاد، سیاست و... تأثیرات راهبردی داشته و در جهان پساکرونا بلوک بندی‌های جدید قدرت و نگرش جدیدی از همکاری‌های بین‌المللی بین کشورها را شاهد خواهیم بود و در این میان ویروس کرونا، مهم‌ترین و بیشترین تأثیر منفی را بر آمریکا و اروپا داشته و روابط بین اعضای اتحادیه اروپا را نیز با «شکاف شمال/جنوب» و «شکاف شرق/غرب» دستخوش تحول و تغییرات کرده است و فروپاشی اتحادیه اروپا را نوید می‌دهد و همچنین بر حلقه هم‌گرایی ایالات متحده نیز تأثیر گذاشته و سبب پیدایش و سرعت‌گیری فروپاشی جغرافیایی آمریکا خواهد شد و تزلزل و بی‌ثباتی سیاسی، امنیتی و جغرافیایی آمریکا، مستقیماً موجب پیدایش و تقویت شکاف بین دو سوی پیمان آتلانتیک خواهد شد، خاصه اینکه پیش از این ترامپ، با طرح خواسته‌های نامعقول سبب واگرایی در جبهه اروپایی پیمان شده و انتخاب مجدد ترامپ آخرین میخ بر تابوت آتلانتیک تلقی می‌شود. پیش‌بینی می‌شود این ویروس: ۱- در الگوهای دوستی و دشمنی بین کشورها تغییر ایجاد خواهد شد.

۲- لیبرالیزم به دلیل تبعیت از داروین‌یسم اجتماعی و پروتکل اخلاقی ۱۹۱۵ و ناتوانی در اعمال توازن بین اقتصاد و سلامت مردم در سرانشی سقوط قرار گرفته و جنبش وال استریت دوباره در سطحی فراامریکایی و جهانی جانی تازه گرفته و به مثابه جنبش بیداری انسانی در سطح جهان به یارگیری خواهد پرداخت.

۳- حرکت کانون‌های قدرت به سمت شرق سرعت بیشتری پیدا کرده و احتمالاً به انتقال زیر-ساخت‌های قدرت به شرق خواهد انجامید.

۴- ویروس پاندمی (فراملی و جهانی با آثار تولید و تکثیر حداکثری بحران) کمر جهانی سازی اقتصاد را در هم شکسته و سبب تضعیف و یا فروپاشی سازمان WTO خواهد شد.

۵- این ویروس در خوش بینانه‌ترین حالت یک دهه، کشورها را با هدف «کاهش آسیب‌ها»، «حفظ همگرایی ملی»، «استفاده حداکثری از ظرفیت‌های داخلی»، «پیدا کردن راه‌های زیست سیاسی نوین» و «روش‌های سازگاری با شرایط جدید» مجبور به اتخاذ راهبرد خودانزوایی اقتصادی خواهد کرد. (خبرگزاری انا. ۳۱ فروردین ۱۳۹۹)

تاثیر کرونا بر روابط کشورهای جهان

کرونا تا حدودی سیاست‌های گذشته را به وضع جدیدی در می‌آورد، ما هیچ وقت تصور نمی‌کردیم که ارتش یه کشور وارد یک کشور اروپایی دیگر شود و یا مثلا کوبا به عنوان یک کشور کوچک در کارائیب سمبل کمک به کشورهای اروپایی شود، یا چین هزاران ونتیلاتور (دستگاه تنفس مصنوعی) به آمریکا بفرستد. اینها از طرف دیگر برخی پیمان‌های بین‌المللی با شیوع بیماری کرونا تضعیف شده‌اند. مانند سازمان‌ها و همگرایی‌های منطقه‌ای، مثلا در ایتالیا و اسپانیا انتقادات زیادی علیه اتحادیه اروپا شده است و حتی پرچم این اتحادیه را هم آتش زده‌اند. این مسئله ناشی از عصبانیت مردم این کشورها از کمک‌های اندک اتحادیه اروپا به این مناطق بحران‌زده از کروناست. اما همین مناطق از رویکرد روسیه و کمک‌های این کشور رضایت زیادی داشتند. این موارد می‌تواند در آینده تغییرات ایجاد نماید، اگر کرونا به اتمام برسد ممکن است خیلی از کشور-های اروپایی در ادامه تحریم اروپایی روسیه، با اتحادیه اروپا همراهی نکنند. از طرف دیگر این کشورها بعد از کرونا نیازمند روابط اقتصادی با روسیه خواهند بود؛ لذا بعد از کرونا اروپا اولین جایی است که به لحاظ سیاسی دچار تغییرات مهمی خواهد شد. حتی در بریتانیا هم که نزدیک-ترین متحد ایالات متحده است تغییراتی در سیاست خارجی ایجاد خواهد شد.» مسئله دیگر بحث تقویت ملی‌گرایی است. مردم و دولت‌ها به این نتیجه می‌رسند که کرونا آزمایش بزرگی بود و جهانی شدن که زمانی در اقتصاد موثر بود و سرمایه‌ها را به راحتی از مرزها عبور داد، حالا این سرمایه‌ها در کشورهای مختلف و پشت مرزها مانده‌اند و در زمان بحران نتوانست به داد مردم برسد و به سلامت آنها کمک کند. در نتیجه این سوال پیش می‌آید که همگرایی‌های منطقه‌ای و جهانی در زمان خطر کمک موثری می‌کند؟ از طرف دیگر ممکن است نگاه جهانشمول به مسائل جهان تقویت شود. یعنی از قطب‌گرایی و دسته بندی‌های منطقه‌ای فاصله بگیریم». (فرارو، ۱۳۹۹/۱/۲۲)

آینده جهانی شدن (خاص گرایی یا عام گرایی)

نسخه نوینی از جهانی سازی در حال شکل گیری است. تاکید نموده که روند معکوس جهانی سازی در حال شکل دهی به یک دوره جدید در اقتصاد و سیاست بین‌الملل است. وی با طرح این پرسش که آیا جهان واقعا روند معکوس جهانی شدن را در پیش گرفته است یا پدیده‌های نوین تنها تاثیرات یک رکود بزرگ می‌باشند؟ از آمریکای شمالی و اروپا به عنوان پرچمداران اصلی جهانی شدن یاد نموده و تاکید داشته فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، این امکان را برای غرب

فراهم آورد تا به دور از هرگونه مناقشات سیاسی و ایدئولوژیکی بتوانند تمامی پتانسیل‌های موجود در جهان را با ایدئولوژی خود همراه سازند. در همین دوره برای غرب این امکان فراهم آمد تا به دور از ترس و تهدیدهای موجود در زمان اتحاد جماهیر شوروی، مرزهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خود را باز کرده و قوانین اقتصادی و بین‌المللی جدید و آزادتری را پایه ریزی نمایند. دیدگاه باز ایجاد شده در فضای اقتصادی سبب گردید تا شرکت‌ها امکانات جدیدی به دست آورده و رقابت نیز بین آنان تقویت شود. همزمان صنایع بزرگ محل تولید را به مناطقی منتقل ساختند که به لحاظ هزینه نیروی کار انسانی، ارزان‌تر بود. این تغییر مکانی برای شرکت‌ها و صنایع، بخش‌های بزرگی از ایالات متحده را که تا قبل از آن مکان اصلی تولیدات امریکا بودند را به شهرهای مردگان تبدیل کرد. با این حال یکی از مشکلاتی که در روند جهانی شدن ایجاد شد، توسعه فقر در کشور-های پیشرفته و صنعتی و بردن مشاغل به دیگر کشورها بود. نکته قابل توجه این است که جهانی شدن بیشترین سود را برای کشورهای در حال توسعه داشته است. تنها در چین بیش از ۸۵۰ میلیون نفر از فقر نجات یافتند. بیشتر کشورهای در حال توسعه توانستند در این زمان سودهای کلانی را کسب کنند و اقتصاد خود را نجات دهند. (<https://economic.mfa.ir>)

جهانی سازی

امروز بحران کرونا جهان را مجبور به مرور و ارائه باز تعریف در مورد جهانی سازی کرده است و این بحران را یک فرصت برای راستی آزمایی بسیاری از مفاهیم شکل گرفته در سطح سیاست و روابط بین‌الملل دانست. اگر چه مدیریت بحران کرونا بیشتر بر روی آثار اپیدمیولوژیک و اقتصادی متمرکز است، اما پیامدهای آن در حوزه سیاست و امنیت بین‌الملل نیز باید مورد توجه قرار گیرد. پژوهشگران موسسه حفظ صلح و مدیریت مناقشات آکادمی نظامی وین، در ویژه نامه آوریل ۲۰۲۰ خود، آینده جهان را پس از فروکش کردن مرحله حاد کرونا در سه سناریو طبقه بندی نموده- اند:

نخست، که شاید محتمل‌ترین سناریو راهبردی با توجه به شرایط کنونی و شرایط قبل از شیوع ویروس است، ادامه روندهایی است که قبل از شروع بحران نیز در حال شکل‌گیری بودند که شامل تداوم در منازعات چند قطبی، تضعیف بیشتر سازمان‌های بین‌المللی، نظام‌های چندجانبه‌گرا و نظام سیاسی و فرهنگی اروپایی است که به لحاظ توانایی و عملکرد با تضعیف جدی روبرو بوده‌اند و تأثیرات آن در محدوده اروپا به وضوح قابل رویت بودند.

دوم آنکه چنانچه شیوع بیماری امکان ایجاد زیرساخت‌های مثبت و مفید را فراهم آورد، در این صورت با مجموعه‌ای از رفتارها و همکاری‌های چند جانبه میان کشورها در چارچوب نظم بین‌المللی و با هدف حل مناقشات بین‌المللی روبرو خواهیم بود. با این وجود تجربه تاریخی ثابت کرده است که در چنین شرایطی، خوش بینی‌ها هیچ گاه درست از آب در نیامده‌اند و نباید به خروجی مثبتی امیدوار بود.

سناریوی سوم و در بدترین حالت این است که جهان و به ویژه اروپا می‌بایست خود را برای یک دوره جنگ سرد جدید اما این بار میان ایالات متحده آمریکا و چین و متحدین آنها آماده کند. از سوی دیگر بسیاری از کشورها برای حفظ منافع خود در چنین شرایطی، رو به ملی‌گرایی می‌آورند و تبعات منفی چنین روندی در حوزه امنیت، اقتصاد و سیاست بین‌الملل منعکس خواهد شد. علاوه بر این، باید در نظر داشت که فارغ از COVID-19، چالش‌های ساختاری مانند تقابل استراتژیک جهانی بین ایالات متحده و چین، درگیری‌های منطقه‌ای و همچنین خطرات امنیتی داخلی مانند حملات سایبری، خاموشی و قطع منابع برق و آب، مهاجرت یا تروریسم همچنان باقی مانده و در زمان همه‌گیری کرونا تشدید می‌شود.

پروفسور هاینتز گرتنر، استاد روابط بین‌الملل دانشکده علوم سیاسی دانشگاه وین، همکاری‌های بین‌المللی را در آینده متمرکز بر حوزه نظامی می‌داند و احتمال می‌دهد دیگر زمینه‌های همکاری نسبت به زمان‌های دیگر ضعیف شوند.

دکتر والتر فایشتینگر، شرایط کنونی نظام جهانی را با اشاره به تلاش‌های چین برای کاهش سطح تأثیرات بحران کرونا در محدوده ملی و فراملی و همچنین رویارویی آمریکا و اروپا با بحران-های گوناگون اعم از سیاسی و اقتصادی در شرایط کنونی، بسیار حساس ارزیابی کرده است. وی همچنین شرایط روسیه را بسیار حساس می‌داند و تبعات شیوع کرونا را برای روسیه غیر قابل تصور می‌داند. سرلشگر فایشتینگر همچنین یکجانبه‌گرایی برخی کشورها را خطری برای سازمان-های بین‌المللی همچون سازمان ملل می‌داند. (<https://economic.mfa.ir>)

پایانی بر قدرت امریکا

رفتار واشنگتن نیز آمریکا را از مسیر دستیابی به رهبری جهان پس از کرونا محروم می‌کند. ترامپ زمان را با سرسختی برای نادیده گرفتن جدی بودن این ویروس و لزوم تامین راهبردی برای واکنش به این تهدید از دست داد. بروکراسی سلامت آمریکا آمادگی لازم برای مدیریت بر این بحران را نداشت. در عرصه جهانی نیز کاخ سفید تحت زمامداری ترامپ مورد اقبال قرار

نگرفت. اصرار مایک پمپئو وزیر امور خارجه آمریکا بر اشاره گروه ۷ به کووید-۱۹ به عنوان «ویروس ووهان» در بیانیه‌ای مشترک ره به جایی نبرد و مایه شرمساری ملی شد. در حالی که بسیاری کشورها بسیاری موافقت کردند که رفتار سازمان جهانی بهداشت در آغاز این بحران سزاوار بررسی است، کمتر کشوری توافق دارد که تصمیم ترامپ برای قطع کمک‌های آمریکا به این سازمان در بحبوحه شیوع کرونا، منطقی است. کشورهای دیگر به ویژه تایوان، کره جنوبی و ژاپن، رهبری مورد نیاز در مواجهه با چنین بحرانی را نمایش داده‌اند. متأسفانه هیچ یک از این کشورها، استطاعت سیاسی، اقتصادی و نظامی برای رهبری جهان در طولانی مدت را ندارند. حال تنها پرسش باقیمانده این است که آیا چین و آمریکا پس از بحران کرونا به موقعیتی دست می‌یابند تا کیفیت رهبری بر جهان را نشان دهد. متأسفانه، کاراکتر رهبران در راس کار در واشنگتن و پکن خبر از شانس اندک برای این مساله می‌دهد. (برنا، ۱۳۹۹/۲/۰۳)

کرونا و تضعیف نظام لیبرال جهانی

ویروس کرونا زخم عمیقی بر جهان وارد کرده است و هربار که این زخم باز شود خون تازه‌ای از آن خواهد جوشید و به نظر می‌رسد به این زودی مداوا نخواهد شد. بدین ترتیب هنوز زود است بخواهیم در مورد جهان بعد از کرونا سخن بگوییم. ما همچنان در مرحله کنترل بیماری قرار نداریم و در ابتدای این روند هستیم. بنابراین سخن گفتن در مورد پیامدهای کرونا دشوار خواهد بود و به نظر می‌رسد هنوز هم بحران عمیق بوده و ممکن است در بعضی کشورها اوج بگیرد. هم‌اکنون در وسط راه هستیم و به گفته «کیسینجر» «اثرات این ویروس بسیار بلند مدت خواهد بود و چندین نسل را فرا خواهد گرفت». این ویروس مهلک موجب تضعیف «نظام جهانی» شده و «نظم لیبرال جهانی» را با چالش روبرو خواهد کرد. اما در نهایت نخواهد توانست که «نظم لیبرال جهانی» را از بین ببرد. گرچه کارایی نهادهای برآمده از نظم جهانی با شیوع این بیماری زیر سوال رفته ولی بدین معنی نیست که نظم جهانی لیبرال از بین خواهد رفت. ممکن است نظم جهانی لیبرال در بعضی کشورها دگرگون شود و ما شاهد نظم‌های منطقه‌ای متفاوتی در آینده باشیم، اما نظم جهانی کماکان باقی مانده و هنوز هم در برابر نظم جهانی «تئولیبرال» قرار نگرفته و جایگزین آن نمی‌شود. هرچند نمی‌توان از تأثیرات ویروس کرونا بر نظم جهانی سخن گفت، اما به هر صورت سلسله مسائلی در این زمینه ایجاد شده است که پیشتر بدان اشاره کردم. به نظر من ارزش‌های «نظم کنونی جهانی» تنزل خواهد یافت و دشمنان «لیبرالیسم» در گوشه و کنار دنیا بیشتر خواهند شد. ویروس کرونا تأثیری مستقیم بر لیبرالیسم و تئولیبرالیسم دارد و ممکن است جهان پس از

کرونا جهانی باشد که در آن ارزش‌های «شرقی» و «آسیایی» قدرت یابند. حتی ممکن است این مسئله تأثیرات اساسی بر مسائل و تحولات جهانی هم داشته باشد. بحث ارزش‌های آسیایی خود تهدیدی بر ارزش‌های لیبرالیسم غربی است و همان‌طور که «ماهاتیر محمد» دولتمرد مالزیایی هم گفته است، ارزش‌های آسیایی در غرب با ارزش‌های «محافظه‌کاری» سنخیت دارد و نه با ارزش‌های «لیبرالیسم». (شفقنا، ۲ اردیبهشت، ۱۳۹۹)

تحول در نظام بین‌الملل

شیوع بیماری کرونا بحرانی فراگیر و بی‌سابقه در جهان ایجاد کرده است. به گونه‌ای که آنتونی گوتشرش دبیرکل سازمان ملل می‌گوید، بزرگترین بحران پس از جنگ جهانی دوم است. قاعدتا بحرانی به این بزرگی تأثیر عظیمی هم در ساختار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع خواهد داشت. کرونا نظم بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داده است. نشانه‌های آن هم از هم اکنون در جهان دیده می‌شود. در برخی کشورهای اروپایی درگیر کرونا همچون ایتالیا و اسپانیا عقاید ناسیونالیستی جان گرفته است. مردم این کشورها از عملکرد اتحادیه اروپا به شدت انتقاد می‌کنند و قدردان حمایت‌های کشوری، چون روسیه‌اند. موقعیت چین به عنوان خواستگاه کرونا در جهان دچار تغییراتی شده و ایالت متحده آمریکا این کشور را در بحران کرونا متهم می‌کند و جدال تازه‌ای میان آمریکا و چین آغاز شده است. از طرف دیگر روسیه در حال ترمیم روابط خود با برخی کشور-های اروپایی است و کمک‌های زیادی به این کشورها کرده است. درباره ایران نیز این تأثیرات حتما وجود خواهد داشت. افکار عمومی ایران غیر از درگیر شدن با مسائلی همچون کنترل بحران، عملکرد دولت و کمبودهای موجود در کشور درگیر سوال‌هایی مهمی است. اینکه کشورهای خارجی دوست ایران چه کمکی به ایران کرده‌اند؟ آیا این کمک‌ها کار ساز بوده‌اند؟ حساسیت افکار عمومی ایران بیشتر روی کشورهایی مانند چین و روسیه است. در روزهای اخیر نیز در پی مباحثه توثیتری سخنگوی وزارت بهداشت درباره آمار و اطلاعاتی که چینی‌ها از کرونا ارائه کرده‌اند، حساسیت‌ها نسبت به روابط ایران و چین بیشتر شده است. پیشتر نیز این انتقاد مطرح بود که چرا پروازهای هواپیمایی ماهان به چین در کوران کرونا متوقف نشد. (فرارو، ۱۳۹۹/۱/۲۲)

پیامدهای ظهور کرونا در سطح بین‌الملل

شیوع و گسترش ویروس کووید-۱۹ نه فقط به حوزه بهداشت محدود نمی‌شود، بلکه به امور ملی فقط یک کشور نیز منحصر نشده است. این موضوع چندبُعدی و بین‌المللی است که به طور،

کلی، در شش حوزه در آینده کوتاه‌مدت و میان‌مدت بر امور بین‌المللی اثرگذار خواهد بود:

- تداخل در زنجیره تأمین جهانی: موضوع دوم، به وجود آمدن تداخل در زنجیره تأمین بین-المللی است؛ زیرا چین بزرگ‌ترین سازنده در جهان محسوب می‌شود و تقریباً در تمامی بخش-های اقتصاد جهانی مشارکت دارد و در حدود سی درصد از ارزش افزوده جهانی در تولید کالا را داراست.

- کاهش سطح تعهدات دیپلماتیک چین: بحران کرونا می‌تواند رویدادهای دیدارهای خارجی، مثل نشست اتحادیه اروپا و چین را در پکن در مارس تحت‌الشعاع قرار دهد، اگر چه شی جین پینگ تدابیری اتخاذ کرده است که بتواند در دیدارهای تعیین‌شده مانند سفر به ژاپن شرکت کند.

- اثرگذاری بر کشورهای درگیر در ابتکار عمل «یک کمربند، یک جاده»: با توجه به بسته شدن راه‌ها و اعمال محدودیت‌هایی بر سفرها، از طرف چین کالاهای لازم برای ساخت‌وساز، به کشورهایی که درگیر ابتکار عمل این کشور بوده‌اند نخواهد رسید و وقفه‌ای به شکل خواب سرمایه رخ خواهد داد که بر مجموعه کشورهای همکار در این طرح و همکاران این همکاران اثر خواهد گذاشت.

- احتمال خدشه‌دار شدن اعتبار بین‌المللی دولت چین: با گسترش بحران ممکن است موضوع «تأخیر در اطلاع‌رسانی چین» بیش از پیش مورد بررسی قرار بگیرد و اعتبار دولت این کشور را در نقش بازیگری مسئول در نظام بین‌الملل زیر سؤال ببرد؛ به این معنا که دیگر نتوان مانع از واکنش برخی کشورها برای محدود کردن یا حذف چین از دایره روابط سیاسی آنها شد.

با توجه به این نکات، پدیده کرونا را باید موضوعی در نظر گرفت که سرریز آن در فضای به هم وابستگی بین‌المللی، موجب خسارت دیگر کشورها نیز خواهد شد. در سال ۲۰۰۳، چین چهار درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را داشت و امروز هفده درصد از آن را به خود اختصاص داده است. همچنین این کشور در سال گذشته، به تنهایی هفتاد درصد از رشد اقتصادی جهان را داشت و به خوبی روشن است اقتصاد موضوعی است که با ایجاد همگرایی بخشی، در تمامی امور بین‌الملل اثرگذار است. این بدان معناست که بحران در چین، کلیت امور جهانی را متأثر خواهد کرد. (اکبری، موسسه ابرار معاصر، ۱۳۹۹/۱/۸)

کرونا، آمریکا و خدشه دوباره به الزامات جانبه‌گرایی

با آگاهی کامل از اصل منافع ملی چراغ راهنمای اقدامات خارجی و همچنین فهم «رقابت

محور» آمریکا از چین در تمام سطوح اقتصادی، نظامی، سیاسی و فن‌آورانه، در بحران کرونا این انتقاد به آمریکا وارد است که رویکرد چندجانبه‌گرایانه در برخورد با بحران را نادیده گرفته است یا حداقل می‌توان گفت تلاش دارد در تقابل با چین از آن استفاده کند. برخی از رسانه‌های آمریکایی از عنوان‌هایی برای اطلاع‌رسانی درمورد ویروس کرونا استفاده کرده‌اند که جهت‌دار بودن آنها در مورد چین محرز است: ویروس کرونا بدتر از تروریسم در سطح بین‌المللی، با توجه به جایگاه چین در اقتصاد بین‌المللی و وابستگی متقابل بسیاری از کشورها به آن، ضمن سرریز این وابستگی به دیگر حوزه‌ها و اثر متقابل بر اقتصاد تمامی کشورهای بین‌المللی، بحران کرونا موضوعی است که به همکاری و همگرایی بین‌المللی نیاز دارد. در حال حاضر، زیر چتر حمایتی سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی، کشورها می‌کوشند بیشترین کمک و اقدام را در راستای کاهش آثار مخرب این پدیده انجام دهند. رویکرد آمریکا تاکنون برخلاف ژاپن که تلاشش برای رفع بحران بوده است، بیشتر بر چین‌هراسی و استفاده ابزاری از این بحران برای رقابت با چین و تعریف خود به عنوان ابرقدرت خوب بوده است. در مقابل، کشورهای حامی چندجانبه‌گرایی، به ویژه هم‌پیمانان آمریکا در اروپا، از رویکردی عملگرایانه برای تمرکز بر منافع ملی خود و کمک‌رسانی به رفع این بحران بین‌المللی استفاده کرده‌اند. (اکبری، موسسه ابرار معاصر، ۱۳۹۹/۱/۸)

تحول امنیتی

شیوع گسترده ویروس کرونا در کشورهای اروپایی و آمریکا ثابت کرد که امنیت را دیگر نباید در چهارچوب نظریات سابق ارزیابی و تحلیل کرد. امروز ماهیت پدیده‌هایی که امنیت را تهدید می‌کنند، تغییر کرده و به راحتی مرزها را در نوردیده است. از این جهت راهکارهای تامین امنیت هم باید تغییرات اساسی داشته باشند. با آنکه شیوع گسترده کرونا موجب شده تا اقتصاد جهانی روند نزولی را در سال ۲۰۲۰ آغاز کند، مداخلات دولت در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی روز به روز افزایش یابد، شاخص‌های بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی شدیداً زیر و رو شده و دنیا در انتظار ظهور سلسله بحران‌های جدید در دوران پساکرونا باشد، اما در درون همین بحران، فرصت‌هایی نیز وجود دارد که می‌تواند کمک کند تا یک کشور در چشم‌اندازهای پیش رو در روندهای بین‌المللی جایگاه خود را ارتقا بخشد. روزگاری امنیت در چهارچوب مرزها و نبود تهدید تعریف می‌شد، اما کرونا این عامل تهدید را و امنیت را بدون مانع، از مرزها عبور می‌کند و به راحتی قربانی می‌گیرد. قدرتها و کشورها با تمام ساز و برگ نظامی یارای آن نیستند و همه اهداف حیاتی یک کشور تعطیل و تهدید می‌شود. کرونا ثابت کرد، امنیت سلامت از هر چیز مهمتر است

و اگر همدلی و جهانی شدن یک جا معنا می‌یابد همین جا است. برای امنیت سلامت یک کشور نمی‌تواند ایفاگر نقش باشد، همه باید مسئولیت پذیر باشند.

بحران امنیتی

نظر می‌رسد شیوع نوع جدید ویروس کرونا که در ماه ژانویه از ووهان چین آغاز شد و در مدت کوتاهی از سه ماه در سراسر جهان شیوع یافت، سیستم جهانی را عمیقاً لرزان کرده است. سیاست دنیا در ده سال گذشته شاهد تحولات متعدد جهانی بوده است. اپیدمی بیماری کرونا به بحرانی بسیار عمیق تر از آنچه که انتظار می‌رفت تبدیل شد و به طور فزاینده‌ای آینده سیستم جهانی را نامشخص کرد. از طرف دیگر فرانسه اعلام کرد که قصد دارد با بودجه عظیم ۵۰۰ میلیارد یورویی به مبارزه با کرونا اختصاص دهد. اقدامات انجام شده باعث کاهش رکود در اقتصاد نمی‌شود، زیرا بازارهای واقعی جهانی متوقف شده‌اند. در این میان رئیس جمهوری ترکیه می‌گوید که "مشکل جهانی است، اما مبارزه ملی است". در واقع همه کشورها سعی می‌کنند تا ابتدا خود را نجات دهند. جو رعب و وحشت می‌تواند منجر به مشکلات عمیق در زمینه امنیت ملی شود و سپس باعث ایجاد اثرات عمیق ملی و بین‌المللی شود. (<https://www.trt.net.tr>)

امنیت جهانی

اپیدمی کرونا دو رکن اساسی سیستمیک مانند اقتصاد جهانی و امنیت جهانی را به هم ریخته است. تزلزل این دو ستون می‌تواند به طور مستقیم بر نحوه شکل‌گیری آینده سیستم جهانی تأثیر بگذارد. اولین مقاومت در سطح انفرادی از طریق اقتصادهای ملی تجربه خواهد شد. به دلیل اقدامات پیشگیرانه اقتصادهای قوی کمبود پول نخواهند داشت، اما نوسانات اقتصاد جهانی باعث تعمیق لطمات اقتصادی بزرگ در آینده خواهد شد. اقتصادهای ضعیف به هر حال چیز زیادی برای از دست دادن نخواهند داشت. دومین آزمون در زمینه روانشناسی اجتماعی و فردی خواهد بود. با افزایش هراس در جامعه و مشاهده شدن لطمات ناشی از شیوع بیماری کرونا، آشوب‌های اجتماعی و بحران‌های سیاسی به بار خواهد آمد که می‌تواند سبب بروز هرج و مرج گردد. آزمون سوم مبتنی بر تاب‌آوری دولتها خواهد بود. کشورهایی که نهادینه شده‌اند، رویه‌های استاندارد قوی‌ای دارند و از یک مکانیزم تصمیم‌گیری نیرومند و سریعی برخوردار هستند، در این دوره با آسیب کمتری روبرو خواهند شد. اما کشورهای ضعیف بیشتر تضعیف خواهند شد و حتی ممکن است درمانده شوند. (trt.net.tr)

منطقه گرایی

به نظر می‌رسد بخش مهمی از تاثیر بحران کرونا بر سیاست خارجی ایران، به نتایج گسترش و واکنش به این شرایط در آمریکا برمی‌گردد. اگر این وضعیت برای مدت کوتاهی مثلا تا ۶ ماه ادامه یابد، طبعا نمی‌تواند تاثیر چندان مهمی، مگر برخی تسهیل‌ها برای نقل و انتقالات دارویی و درمانی و موارد انسان‌دوستانه داشته باشد. اما در صورت تداوم آن در میان‌مدت، و بیش از یک سال، ممکن است از تشدید تحریم‌ها علیه ایران صرف‌نظر شده یا احیانا به مرور زمان، با کاهش فشار بر سایر طرف‌ها، بتدریج تحریم‌ها موضوعیت خود را از دست بدهند. اگر سیاست خارجی ایران بخواهد از این شرایط برای کاهش فشارهای تحریمی بهره بگیرد، باید ابتکار عمل‌هایی داشته باشد. این ابتکار عمل می‌تواند نخست در مورد بحران‌های منطقه‌ای موجود باشد که هزینه‌های زیادی ایجاد کرده‌اند و چشم انداز روشنی هم ندارند. دوم هم در مورد خود تحریم‌هاست. طبعا مسئله تحریم‌ها بیشتر به دولت آمریکا مربوط است و نوعی تاکتیک خاص می‌طلبد، اما چون در نگرش دولتمردان ما، ترامپ از بحران کرونا پیروز بیرون نخواهد آمد، لذا دشوار است که بتوان این گزینه را مورد توجه قرار داد. در مجموع، دشوار بتوان امیدوار بود که دولت در مدت باقی مانده و در پرتو شرایط موجود، تحولی جدی در سیاست خارجی ایجاد کند. بلکه باید به گام‌هایی کوچک، سیاستی تدریجی و آرام اندیشید که بتواند در کاهش فشارها، کنترل تنش‌ها، جلوگیری از وخامت اوضاع و احیانا درگیری در مسائل منطقه‌ای موثر افتد. اتفاقا این سطح از کنش، مورد توجه نظام هم هست و با مانع داخلی کمتری روبرو می‌شود.

یک فرصت دیپلماتیک حاصل از این بحران، ابراز همبستگی برخی اعضای شورای همکاری خلیج (فارس) با ایران بوده است. قطر از ارسال تجهیزات پزشکی فوری به ایران خبر داده و امارات پروازهای سازمان بهداشت جهانی را برای کمک به ایران تسهیل کرد. کویت هم اعلام کرد که ۱۰ میلیون دلار برای مبارزه ایران با ویروس کمک می‌کند. اگرچه بعید به نظر می‌رسد، اما اقدامی مشابه از جانب عربستان و شاید یک گفت‌وگو در سطح فنی میان شورای همکاری خلیج (فارس) و ایران برای هماهنگی اقدامات پزشکی و علمی به منظور مبارزه با کرونا می‌تواند راهی برای کاهش تنش میان تهران و ریاض که به شدت مورد نیاز است، بگشاید. نکته اصلی در این است که ایالات متحده با تحریم‌های خود نه فقط خود مسبب اصلی ایجاد ویروس است بلکه مسبب اصلی انتشار آن در جهان نیز می‌باشد. ایالات متحده آمریکا علیرغم شیوع پاندمی ویروس کرونا در اغلب کشورهای جهان همچنان تحریم‌های ظالمانه‌ای را علیه ملت ایران اعمال می‌کند و علی-

رغم اظهارات کذب و خلاف واقع خود در خصوص آمادگی برای کمک به ایران با استمرار محدودیت‌های تحریمی از بهره‌مندی جمهوری اسلامی ایران از امکانات بین‌المللی و بویژه از دریافت دارو و تجهیزات پزشکی و نقل و انتقالات مالی مربوطه برای مقابله با این بحران، ممانعت به عمل می‌آورد. خروج یکجانبه آمریکا از برجام و تشدید تحریم‌ها بر اساس راهبرد فشار حداکثری واشنگتن، تأثیری منفی بر تأمین اقلام پزشکی و دارویی برای ملت ایران گذاشته و امکان انتقال تکنولوژی و تأمین مالی پروژه‌های بهداشتی را سلب کرده است. از سوی دیگر، اپیدمی کرونا باعث توقف موقت جنگ برای به دست گرفتن کنترل ادلب در سوریه شد. موضوعی که در اواخر ۲۰۱۹ و اوایل ۲۰۲۰ به مسئله اصلی روابط روسیه و ترکیه انجامید. کرونا باعث شد که شبه نظامیان سوریه‌ای برخوردار از حمایت ترکیه از شدت فعالیت‌های خود بکاهند. کرونا خیلی سریع در ترکیه شیوع یافت و این نگرانی وجود دارد که این ویروس به اردوگاه‌های پناهجویان در ادلب که تراکم جمعیت در آنها بالاست بینجامد. ایران که بازیگری مهم در منطقه است آسیب‌های شدیدی از کرونا دیده و دولت در این کشور بر مبارزه با این ویروس و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن متمرکز شده است. روسیه می‌کوشد که از این شرایط برای تحکیم جایگاه خود در سوریه استفاده کند. در نگاهی به آینده، به نظر نمی‌آید که ویروس کرونا باعث تغییری جدی در سیاست‌های خارجی روسیه در خاورمیانه شود. روسیه برای پیشبرد سیاست‌های خود در خاورمیانه به اموال چندانی نیاز ندارد. می‌توان وضعیت نظامی سوریه را تا هر زمانی که لازم باشد در سطح کنونی نگه داشت. ترکیه از مرحله بحران در روابط با روسیه گذر کرده و احتمال اینکه شریک روسیه شود از اینکه به دشمنی جدی تبدیل شود بیشتر است. توافقات اخیر نفتی هم ضامن آن است که دست کم تا دو سال آینده تنشی در روابط روسیه با عربستان پیش نیاید. در لیبی هم به نظر می‌آید که دخالت‌های دیپلماتیک و شبه نظامی روسیه ادامه پیدا کند. روسیه با اسرائیل هم روابط بسیار تنگاتنگی در همه عرصه‌ها برقرار کرده و روابط خود با ایران را هم در سطحی خاص نگه می‌دارد. مصر هم که قلب جهان عرب است همچنان مورد توجه ویژه روسیه خواهد ماند. (سایت میدل ایست، ۲۰۲۰-۰۴-۲۱)

همکاری‌های منطقه‌ای

دکتر والتر فایشتینگر، ریاست سابق موسسه تضمین صلح و مدیریت مناقشه آکادمی ایالتی دفاع وین با اشاره به شرایط حساس اتحادیه اروپا، همبستگی را در اروپا در خطر فروپاشی می‌بیند و معتقد است کرونا بر روابط داخلی و خارجی کشورهای اروپایی نیز تأثیر بسزایی خواهد داشت و

مناسبات گذشته را دستخوش تغییرات جدی کرده است. وی در خصوص اقدامات کشورهای چین و آمریکا برای مقابله با بحران کرونا، با انتقاد از تک روی و عدم هماهنگی بین این کشورها در شرایط بحران، عملکرد این کشورها در این زمان حساس را سبب ایجاد مشکلات و بحران‌های بعدی می‌داند. پژوهشگران حوزه سیاست و روابط بین‌الملل در اتریش در ارزیابی خود نسبت به جهانی شدن در دوره پساکرونا، عمدتاً اظهار داشته‌اند که جهان پساکرونا همزمان با حفظ شاخص‌های اساسی با تغییراتی مواجه خواهد بود که می‌توان به صورت خلاصه آن را حرکت به سمت توسعه اقتصادی درون‌زا با تکیه بیشتر بر ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بازار و نیروی کار داخلی و بومی دانست. بحران کرونا در حوزه امنیت بین‌الملل نیز رویکرد دولتها نسبت به تهدید-های امنیتی و نحوه مواجهه با آنها را تغییر خواهد داد. در این زمینه بدترین سناریوی پیش‌بینی شده این است که جهان و به ویژه اروپا می‌بایست خود را برای یک دوره جنگ سرد جدید بین ایالات متحده آمریکا و چین و متحدین آن آماده کند.

اتحادیه اروپا

همبستگی در این اتحادیه آسیب جدی دیده و مناسبات گذشته در این اتحادیه در دوره پساکرونا دستخوش تغییرات اساسی خواهد شد. همچنین با اشاره به پیامدهای رکود اقتصادی و تفاوت در مدیریت بحران از سوی کشورهای عضو، شاهد چالش‌هایی همچون مهاجرت‌های اجباری در محدوده اروپا، فرارمغزا و افزایش بدهی کشورها و ایجاد یونان‌های جدیدی در اتحادیه اروپایی خواهیم بود. (<https://economic.mfa.ir>)

لغزش اتحادیه اروپا در عصر کرونا

جهانی شدن از پایان مرزها و آرمان جهان بدون مرز خبر داده بود، اما کرونا باعث شد مرزها دوباره پررنگ تر ترسیم و از آن حفاظت شود. بی شک این مساله به رشد ناسیونالیسم و راست-گرایی در جهان کمک خواهد کرد، آثار ملموس این رویکرد را در عصر کرونا در اتحادیه اروپا هم ناظر بودیم، پدیده‌ای که خشم ایتالیا و اسپانیا را در بر داشت و اراده برای خروج از اتحادیه اروپا را در میان برخی احزاب و شخصیت‌های سیاسی تقویت کرده است. اگر جهانی شدن در شکل دیگر ظهور و بروز نماید، آیا این بار مدل و الگو آمریکا و غرب است؟ یا شرق و بخصوص چین. نظم نوین چه تاثیری بر معادلات قدرت و مناسبات سیاسی و اقتصادی خواهد داشت؟ ویروس همه گیر کرونا، مفهوم امنیت را در داخل و بین‌الملل تغییر داده است.

کاهش تنش‌های منطقه‌ای

از آنجا که زیرساخت‌های بهداشتی در برخی کشورهای درگیر جنگ در خاورمیانه نابود شده‌اند، گسترش کرونا در این کشورها می‌تواند فجایعی انسانی رقم زند لذا در این زمینه سازمان ملل متحد خواستار آتش‌بس در همه درگیری‌های بزرگ این کره‌خاکی شده است؛ «آنتونیو گوترش» دبیر کل سازمان ملل متحد هشدار داد «هنوز باید منتظر بدترین وضعیت باشیم». هرچند هنوز مشخص نیست تأثیر این بیماری همه گیر در درگیری‌های چندگانه در خاورمیانه چگونه خواهد بود». شیوع بیماری کووید-۱۹ منجر به قبول آتش‌بس از سوی روسیه و ترکیه به عنوان دو کارگزار اصلی در جنگ ۹ ساله سوریه شد. با این حال، گسترش کرونا می‌تواند سبب تسریع خروج نیروهای آمریکایی از سوریه و عراق شود. این امر به نوبه خود می‌تواند رویدادهای دیگری به دنبال داشته باشد. در یمن به عنوان کشور دیگر خاورمیانه ای که درگیر نبردهای خونین است، دولت یمن و حوثی‌ها نیز به درخواست سازمان ملل مبنی بر آتش‌بس پاسخ مثبت دادند. به نظر می‌رسد این کشورها می‌توانند بر نظام‌های بهداشتی خود تکیه کنند که از کارآمدترین نظام‌های سلامت منطقه است.

نگرانی مهم این کشورها تأثیر کرونا بر گردشگری بین‌المللی و برگزاری گردهمایی‌های بزرگ است. ارتباط میان این بیماری همه‌گیر و فروپاشی بازار نفت نیز برای این کشورها اهمیت زیادی دارد. اگرچه مرزها برای تجارت باز هستند، اما هرگونه اختلال بیش‌تر در تجارت، به ویژه با توجه به اینکه این کشورها برای مصارف غذایی خود به واردات متکی هستند، به آنها صدمه خواهد زد. کرونا همچنین تأثیرات بالقوه‌ای بر ابعاد سیاسی و فرقه‌ای رویارویی دولت‌های عضو شورا با ایران داشته است. همچنین کووید-۱۹ نشانگر میزان در هم تنیدگی ساکنان کرانه باختری، اسرائیلی‌هایی که در اراضی اشغالی زندگی می‌کنند، فلسطینی‌ها و اقتصادهایشان است. این ویروس اسرائیل، تشکیلات خودگردان و حماس را به همکاری با یکدیگر برای جلوگیری از شیوع گسترده آن مجبور کرده است، در حالی که تنش سیاسی میان آنها همچنان ادامه دارد.

بزرگ‌ترین تهدید این ویروس برای غزه خواهد بود. اگرچه غزه به دلیل محدودیت‌های چند دهه‌ای که اسرائیل بر این منطقه تحمیل کرده است، ساکنانش به شدت در برابر آن آسیب پذیر هستند. اقدامات بلندمدت آمریکا، اتحادیه اروپا و اسرائیل و تشکیلات خودگردان برای منزوی کردن حماس هرگونه پاسخگویی موثر در نوار غزه را دشوار خواهد کرد. کرونا برای فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها تهدید اقتصادی هم هست. اسرائیل، تشکیلات خودگردان و حماس باید همه این موارد

را برای اتخاذ یک اقدام جمعی متوازن کننده در نظر داشته باشند: کاهش احتمال انتقال مرزی ویروس و در عین حال حفظ جریان کارگران فلسطینی در اسرائیل. اما در ایران بحران کرونا پیامدهای مخرب تحریم‌های آمریکا بر ایران را آشکار کرد، این تحریم‌ها مانع از گسیل تجهیزات پزشکی ضروری و کالاهای بشردوستانه مورد نیاز به ایران شده است. آمریکا در روزهای اخیر که آمار مرگ و میر ناشی از کرونا رو به افزایش بوده است، با وجود درخواست دولت‌های اروپایی از کاخ سفید برای کاهش تحریم‌ها، تحریم‌های بیشتری را علیه ایران اعمال کرد.

ویروس کرونا و لزوم چندجانبه‌گرایی در جهانی به هم وابسته

پذیرش این مسئله که در جهان امروز، مخاطرات بین‌المللی از مرزهای طبیعی کشورها می‌گذرند و به شیوه‌ای جهان‌گستر تمامی جوامع را درگیر می‌کنند، نشانگر نوعی بلوغ سیاسی در تمامی بازیگران بین‌المللی است. سیاسی شدن مسائل اقتصادی، اهمیت فزاینده آلودگی زیست محیطی و خطرهای آن برای جوامع، با تأثیر بر روابط بین‌الملل، آسیب‌پذیری دولت‌ها و جوامع را در برابر حوادث و جریان‌هایی نشان می‌دهد که در قلمرو دیگر کشورها رخ می‌دهند. در این فضا، شاخصه اصلی نظام بین‌الملل، پیچیدگی، روابط متعدد و متداخل، کشاکش و همکاری است. ویروس کرونا که اکنون با اسم رسمی کووید-۱۹ شناخته می‌شود، یکی از پدیده‌هایی است که به گفته رئیس سازمان بهداشت جهانی «هیچ کشوری نباید تصور کند از آن مصون است. این تصور نه فقط اشتباه است، بلکه جبران‌ناپذیر خواهد بود. این ویروس به مرزهای بین‌المللی احترام نمی‌گذارد». این پدیده فرامرزی پس از ظهور، با به‌چالش کشیدن تمامی بازیگران بین‌الملل، همه را ناگزیر کرده است به همکاری و همگرایی‌هایی برای مهار بحران روی آورند.

- برخورد چین با ویروس کرونا

با بروز بحران کرونا، علاوه بر مرگ شهروندان چینی، اقتصاد این کشور نیز با دشوارترین آزمون خود پس از بحران اقتصاد جهانی ۲۰۰۸ مواجه شده است. برخی تحلیل‌ها عنوان کرده‌اند شیوع ویروس کرونا اگر در سه ماه کنترل شود، تولید ناخالص داخلی واقعی این کشور را ۰/۸ درصد و اگر در نه ماه کنترل شود، ۱/۹ درصد آن را کاهش خواهد داد. این درحالی است که در مقایسه با شیوع بیماری سارس در سال ۲۰۰۳، اقتصاد چین شکننده‌تر است و نیاز به تدابیر بیشتری از سوی دولت این کشور احساس می‌شود. مانند هر کشوری، چین نیز مایل نیست ضربه‌ای به ساکنان و منافع اقتصادی خود وارد آورد. ظهور این ویروس رخدادی خارج از حوزه تسلط دولت چین بوده است که حتی به گزارش سازمان بهداشت جهانی، منبع شیوع آن هنوز معلوم نیست.

با این حال، وضعیت چین در نظام بین‌الملل به گونه‌ای است که موجب شده است واقعیت بد-اقبال این کشور به شایعاتی درمورد بی‌تدبیری آن تعبیر شود. رفت‌وآمد و سفر، شمار جمعیتی بالا، اثر متقابل اقتصادی و غیره موضوعاتی هستند که اهمیتی به نقش چین در جهان می‌دهند؛ اما درعین حال، هزینه‌های چنین رخدادهایی را برای دیگر دولت‌ها بالا می‌برند. در این پدیده، شناسایی منبع انتشار، ممانعت از گسترش، مدیریت و تجمع منابع لازم برای مبارزه با بیماری و ریشه‌کن‌سازی آن، در گام نخست متوجه کشور چین و نهادهای بین‌المللی تخصصی مرتبط، و سپس دیگر دولت‌ها در نظام درهم‌متعامل بین‌الملل بوده است. چین از آنجا که مشابه این موضوع را پیش از این در بحران شیوع سارس در سال ۲۰۰۳ تجربه کرده بود، برخی آمادگی‌های لازم را برای مدیریت به هنگام این پدیده داشت: نخست، در حوزه بهداشت و درمان، به گزارش سازمان بهداشت جهانی، اقدام مقامات این کشور بسیار متفاوت با پدیده سارس و بسیار عملگرایانه‌تر بوده است. چین فقط در ده روز بیمارستانی را برای مبتلایان احداث، و حتی قبل از دستور سازمان بهداشت جهانی اعلام قرنطینه کرد که شامل جداسازی پنجاه میلیون نفر در ووهان و شهرهای اطراف می‌شد. در مرحله دوم، از آنجا که شیوع کرونا نه در سطح ملی و نه در سطح بین‌المللی فقط به حوزه بهداشت منحصر نمی‌شود، در سطح ملی، دولت چین در عرصه حکمرانی با پاسخ فوری به چهار مسئله مواجه بود: بحران سلامت عمومی، وقفه اقتصادی، احتمال برانگیخته شدن خشم و بی‌اعتمادی عمومی، و پاسخ به خدشه احتمالی به اعتبار جهانی این کشور.

- واکنش بین‌المللی به ویروس کرونا

- نقش سازمان ملل متحد در ایجاد همگرایی: در شرایطی که انتقاد از نهادهای بین‌المللی، به ویژه سازمان ملل متحد به گرایش همه‌گیر تبدیل شده است و نوعی بی‌اعتمادی به این سازمان و نهادهای وابسته به آن دیده می‌شود، ویروس کرونا فواید تشکیل سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن را نشان داد که ثابت می‌کند چندجانبه‌گرایی در جهان هنوز لازمه حفظ امنیت و صلح بین‌الملل است. در چهارچوب نظم نهادی بین‌الملل، دولت‌های بین‌المللی دارای حقوق و وظایفی متقابل هستند. در بحرانی مانند ظهور پدیده کرونا که به جغرافیای خاصی محدود نمی‌شود و به ویژه بر یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان اثر گذاشته است، نیاز به همکاری، چند-جانبه‌گرایی و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بیش‌ازپیش احساس می‌شود. حقوق و وظایف متقابل در این بحران هم بین سازمان بهداشت جهانی و چین، بین سازمان بهداشت و دیگر کشورها، و بین چین و دیگر کشورها دیده شد.

- نقش مجموعه کشورهای ملزم به چندجانبه‌گرایی: با این حال، استفاده از این ابزارها به‌جز با ذهنیتی که الزام به همکاری بین‌المللی و حضور در شبکه جهانی اطلاعات را حکم‌فرما کند، بی‌حاصل خواهد بود و تفاوتی ندارد که چین، آمریکا یا بازیگری دیگر باشد که این موضوع را نپذیرد. ضروری است این دیدگاه که بازیگران به تعهدات بین‌المللی خود سرسپردگی دارند شفاف باشد؛ برای مثال، برخی کشورهای اروپایی یا برخی کشورها در جنوب‌غربی آسیا با نشان دادن تعهد خود به همکاری بین‌المللی، نقشی تسهیل‌گر در تحکیم ذهنیت همکاری‌جویانه داشته‌اند. چین در مقابل دریافت کمک‌های سازمان بهداشت جهانی وظیفه داشته است با این سازمان نهایت همکاری بین‌المللی را به عمل آورد. به‌طور مشابه، کشورهای همسایه با چین نیز در منطقه آسیای جنوب شرقی وظیفه داشته‌اند هم با سازمان و هم با چین همکاری کنند.

- نقش رسانه‌های بین‌المللی: باید گفت رسانه‌های بین‌المللی و شبکه‌های فضای مجازی، مهم‌ترین منابع برای اطلاع‌رسانی محسوب می‌شوند که البته آثاری مثبت و منفی دارند. ضرورت وجود و هم‌افزایی بین سامانه‌های نظارتی ملی و بین‌المللی برای کسب اطلاعات درمورد مبارزه با کرونا دیده شد. وجود و هم‌افزایی سامانه‌های نظارتی ملی و بین‌المللی موجب می‌شود اطلاعات علمی درمورد بیماری بتواند در زمانی به‌هنگام برای تشخیص اپیدمی و ممانعت از شیوع، برخورد بالینی صحیح با مبتلایان و کمک به مدل‌سازی، درک جهت‌گیری‌های آتی احتمالی و کارایی مفید مداخلات مختلف کمک کند. در عین حال، ممکن است رسانه‌ها موجب بروز ترس و ناامنی ذهنی جوامع نیز شوند و به بروز واکنش‌هایی دامن بزنند که با ایجاد مشکلات خوشه‌ای (مانند: کاهش وسایل کنترل بحران، در این مورد، مثلاً ماسک) مدیریت بحران را دشوارتر کنند. (اکبری، موسسه ابرار معاصر، ۱۳۹۹/۱/۸)

یکی دیگر از تحولات مرتبط با ایران در خصوص چگونگی نمود بیشتر موقعیت و موجودیت چین در آینده منطقه بر اثر این بیماری است که به عنوان یک نشانه مهم قابل مشاهده خواهد بود. پست توییتری سرزنش‌آمیز سفیر چین در تهران در پاسخ به سخنگوی وزارت بهداشت ایران، حمایت جناح تندرو به عنوان پرچم داران حمایت از استقلال کشور از سفیر چین و اظهارات میانجی‌گرانه سخنگوی وزارت امور خارجه بسیار معنی‌دار است. حمایت از چین به حدی بود که برخی از چهره‌های جناح تندرو خواستار عزل معاون وزیر بهداشت شدند. به نظر می‌رسد این بیماری همه گیر سبب تسریع و تقویت روابط رو به رشد ایران و چین نیز خواهد شد. (اویغور،

(<https://iramcenter.org>)

قدرت نرم

موفقیت ایران در مهار سریع کرونا می‌تواند سرمایه چشمگیری در سیاست خارجی باشد. ایران تنها کشوری است که زیرساخت سخت‌ترین تحریم‌هایی که تاکنون اعمال شده در حال مبارزه با این بیماری است. موفقیت ایران در غلبه بر این بحران در کوتاه‌ترین زمان ممکن، می‌تواند به سرعت به یک سرمایه چشمگیر در سیاست خارجی تبدیل شود و نه تنها رویای فروپاشی ایران را در ذهن شریک‌ترین سیاستمداران دولت ترامپ خاتمه بدهد، بلکه اثباتی بر کارآمدی جمهوری اسلامی در مواجهه با دشوارترین چالش مشترک پیشروی کشورهای جهان باشد. اکنون زمان خوبی برای بازسازی قدرت نرم ایران از راه اعلام همدردی با همه کشورهای همسایه و به ویژه کشورهای جنگ‌زده در منطقه است که ممکن است با گسترش بیماری به این کشورها به یک فاجعه انسانی دیگر تبدیل شود. به همین دلیل، ایران می‌تواند آمادگی همیشگی خود را برای همکاری جهت خاتمه دادن به این جنگ‌ها و متمرکز شدن بر سلامت مردم منطقه از طریق تقویت همکاری‌های منطقه‌ای تکرار کند و از ایده‌هایی که به این هدف کمک می‌کند، استقبال کند. (ایرنا، ۱۳۹۹/۱/۱۹)

ناسیونالیسم و ملی‌گرایی

از آنجا که کرونا موجب تمرکز بیشتر کشورها بر داخل خود خواهد شد، بعید است برای ایران نیز گریزی از گزینه باشد. لذا، فشار برای بازبینی در سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی ایران بیشتر خواهد شد. (ایرنا ۱۳۹۹/۱/۱۹) در حالی که بحران کرونا آمریکا را به تمرکز بیشتر بر مسائل داخلی و اخواه داشت و کشورهای اروپایی را به تقویت احساسات ملی مشغول خواهد کرد، سیاست خارجی روسیه فضای تحرک بیشتری به آن می‌دهد و به احتمال قوی مسکو از این شرایط بیشتری بهره را خواهد گرفت. (سایت میدل ایست، ۲۰۲۰-۰۴-۲۱) رکود ناشی از کرونا باعث می‌شود، دولت‌ها در پسا کرونا به دنبال بازار و فروش محصولات خود باشند، با توجه به درگیری آمریکا در این زمینه ایران فرصت دور زدن تحریم‌ها را خواهد داشت، با توجه به تأثیر کرونا و رشد ناسیونالیسم در جهان و کانون‌های قومی ناسیونال گرا، ایران باید هوشیار و مراقب پیامدهای امنیتی در اطراف مرزهای خود باشد. کرونا، وحشت از آینده را در روابط بین‌الملل تقویت کرده است، ایران باید با تمرکز در حوزه آینده پژوهی خود را از بحران‌های احتمالی شبیه در آینده مصون سازد و روابط خود را براساس مصونیت سازی و تامین منافع ملی تنظیم نماید.

هم‌اکنون که بحران کرونا در تمام جهان سرایت کرده [احتمالاً با توجه به شرایط موجود] بعد از این بحران، بحران «دین‌گرایی» و «معنویت‌گرایی» در جهان هم بیشتر خواهد شد. در واقع روابط کشورها در جهان پساکرونا به اشکال گوناگون خواهد بود و شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد در حال حاضر «اولویت» کشورها تغییر کرده و ممکن است در جهان پساکرونا کشورها به اولویت‌های داخلی توجه بیشتری داشته باشند. تغییر اولویت حکومت‌ها، بر پایه تحولات جهانی و بازتابی از تحولات داخلی است. بدون تردید کرونا اولویت کشورها را تغییر داده و ممکن است در بسیاری از کشورها در جهان پساکرونا به تعبیر «یوان هو»، انزواگرایی «خودخواسته» و انزواگرایی «ناسیونالیستی» را تشدید کند. حتی ممکن است نقش «ملی‌گرایی» بر سیاست خارجی دولت‌ها بیشتر شود، چون بحران کرونا نشان داد که مباحث «انترناسیونالیسمی» فعلاً کارآمدی خاصی ندارند و تقریباً با دشواری خاصی روبرو شده‌اند. در منطقه خاورمیانه و جنوب آسیا ملی‌گرایی «قومی» تشدید خواهد شد که این خود بحرانی دیگر بر سایر بحران‌های خاورمیانه است. بحران کرونا همان‌گونه که سایر اساتید هم بدان اشاره داشته‌اند، روندهای جهانی شدن را با آسیب روبرو کرده و آن را تضعیف خواهد کرد. چنانچه می‌دانیم این جهانی شدن به زیان «اقتدارگرایی» عمل کرده است. (شفقنا، ۲ اردیبهشت ۱۳۹۹) همچنین بحران کرونا موجب خواهد شد تا بر تعداد نظام‌های مستبد افزوده شود. بدون تردید همین که جهانی شدن تضعیف شود، اقتدارگرایی تقویت خواهد شد چون جهانی شدن نشان داده که قدرت دولت‌های «اقتدارگرا» و «توتالیتار» را با پرسش روبرو کرده، به چالش کشیده و تضعیف خواهد کرد. همچنین بر شمار کشورهای «کنترل‌گر» در کشورهای آسیایی و آفریقایی افزوده شده و چنین دولتهایی به دلیل خواستگاهی که دارند «پررنگ‌تر» خواهند شد. چنانچه کمونیست‌ها هم بر همین باور بوده و احتمال ظهور دولت‌های کنترل‌گر را بسیار زیاد دانسته‌اند. (همان)

نتیجه‌گیری

تاثیرات کرونا بر سیاست خارجی را می‌توان در ابعاد امنیتی، اقتصادی، سیاسی در نظر گرفت. چنانکه می‌توان به موضوعاتی از قبیل بلوک بندی جهانی، تنش بین قدرت‌های بزرگ جهانی، روند فزونی منطقه‌گرایی، تبدیل شدن سلامت بعنوان یکی از ابعاد امنیت و در معرض خطر قرار گرفتن اتحادیه‌های پیشین اشاره کرد. در واقع کرونا در حال تحمیل مناسبات جدیدی در روابط بین‌المللی است. البته باید خاطر نشان کرد که اینگونه اظهارنظرها به گونه‌ای پیش بینی محسوب می‌شوند و ممکن است برخی از این افراط‌گرایانه و یا با احساسات و شائبه‌های سیاسی همراه

باشد. ولی به طور کلی می‌توان گفت که سیاست خارجی در دوره پساکرونا متفاوت از دوران گذشته خواهد بود. با این توضیح که پیگیری منافع ملی از سوی دولت‌ها ادامه می‌یابد، اما سازوکارهای تحقق منافع ملی ممکن است متفاوت از گذشته باشد. به طور مثال می‌توان به موضوع امنیت سلامت شهروندان از سوی دولت‌ها اشاره کرد. در این راستا موضوعاتی از قبیل بیوتروریسم، همکاری کشورها برای امنیت شهروندان، اتخاذ قوانین لازم‌الاجرا برای مبارزه با بیوتروریسم و ... اشاره کرد. همچنین بازیگری دولت‌ها در سطح بین‌المللی که مورد سوال و چالش قرار گرفته بود، مورد بازنگری قرار می‌گیرد. در سطح قطب بندی، جایگاه کشورهای قدرتمند و بلوک بندی با چالش مواجه می‌شود، البته ساختار نوین نظام بین‌الملل چگونه خواهد بود با ابهام و تردید مواجه است. تأثیرات کرونا بر سیاست خارجی را می‌توان بدین صورت ارایه کرد؛

- گذار از جهان تک-چند قطبی به بلوک بندی جدید
- گذار از همگرایی جهانی به تنش‌های نسبی جهانی بخصوص بین قدرت‌های بزرگ جهانی
- بازگشت بیشتر به ناسیونالیسم در سیاست خارجی
- تاکید بر دولت گرایی و گذار نسبی از جهانی شدن
- تحول و گذار از امنیت فیزیکی و سخت افزاری به امنیت جانی و روانی
- افزایش اهمیت منطقه گرایی در سیاست خارجی
- افزایش جایگاه بیوتروریسم در سیاست خارجی کشورها و لزوم همگرایی بیشتر کشورها

منابع فارسی کتب

- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، سمت
- مقتدر، هوشنگ (۱۳۸۵)، مباحثی پیرامون سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی، تهران، دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، سمت

مقالات

- سید هادی زرقانی، زهرا نسیمی، امید علی خوارزمی (۱۳۹۷)، بیوتروریسم و تأثیر آن بر امنیت شهروندان، مجله جغرافیای اجتماعی شهری، شماره ۱۳، پاییز و زمستان
- مرادی پشت دربندی، محمدرضا (۱۳۹۵)، بیوتروریسم و راهکارهای مقابله با آن بانگاهی به موازین حقوق بین‌الملل، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره دوم، شماره ۱/۴، زمستان

خبرگزاری

- آنا ۱۳۹۹/۱/۳۱
- اکبری، عابد، ۱۳۹۹/۱/۸، موسسه ابرار معاصر
- ایرنا ۱۳۹۹/۱/۱۹
- خبرآنلاین
- ساجدی کیوان، ۱۳۹۹/۱/۲۷، باشگاه خبرنگاران جوان
- شفقنا، ۱۳۹۹/۲/۲
- میدل ایست، ۲۰۲۰-۰۴-۲۱
- همشهری آنلاین